

نگاهی به موقعیت ویژه سیاسی - اقتصادی خلیج فارس در دوران باستان

امیر رضوان تبار^۱

فرهاد پروانه^۲

چکیده

خلیج فارس از قرن‌ها پیش و در زمان تمدن بین‌النهرین به عنوان یک آبراه مهم تجاری و نظامی اهمیت ویژه‌ای داشته است. وجود آثار باستانی در دوره ایلامی‌ها در مناطق کرانه‌ای خلیج فارس واقع در بوشهر (لیان) باستانی نشان می‌دهد این منطقه مرکز تجاری دولت ایلام، مقتدرترین دولت باستانی پیش از ورود آریایی‌ها در ایران بوده است. امپراطوری هخامنشی بویژه داریوش اول نیز با استفاده از همین آبراهه بر منطقه ای وسیع از آسیا و آفریقا حکمرانی و دیپلماسی می‌کرد. اسکندر و سلوکی‌ها به اهمیت خلیج فارس آگاه بودند و نیروی دریایی عظیمی جهت ارتباط با هند در شرق و دریای سرخ در غرب در آن تشکیل دادند. در دوره‌ی اشکانیان بازرگانی منظمی در آب‌های خلیج فارس برقرار بوده است و همواره سعی می‌کردند که امنیت داد و ستد تجاری در قلمروشان نگهداری شود. در دوره ساسانیان بازرگانان و دریانوردان ایرانی موفق شدند تجارت دریایی خلیج فارس با چین را در اختیار بگیرند و در آستانه ظهور اسلام تجارت دریایی در خلیج فارس رونق فوق‌العاده‌ای بگیرد. هدف مقاله حاضر بازنمایی موقعیت ویژه سیاسی و اقتصادی خلیج فارس در دوران باستان می‌باشد.

کلید واژه‌ها: ایران باستان، تاریخ خلیج فارس، ایلامی‌ها، هخامنشیان، اشکانیان، ساسانیان،

^۱. کارشناس ارشد تاریخ گرایش مطالعات خلیج فارس - amirrezvan@yahoo.com

^۲. دانشجوی دکتری تاریخ اسلام دانشگاه لرستان farhad.parvaneh@yahoo.com

مقدمه

خلیج فارس از پدیده‌های دوران سوم زمین شناسی است، در حدود ۳۰ میلیون سال قبل به وجود آمده است و گستره ای بیش از آنچه امروز هست را دارا بوده است. (الهی: ۱۳۸۶، ۷)

خلیج فارس شامل منطقه خلیج فارس، جزایر آن و هشت کشور حاشیه آن می باشد، این هشت کشور عبارتند از: ایران، عراق، کویت، عربستان، قطر، کویت، بحرین، امارات متحده عربی و عمان. از نظر جغرافیایی منطقه خلیج فارس بین دریای عمان، دریای عرب و دریای سرخ قرار دارد و با کشورهای ترکیه، یمن، اردن، پاکستان، افغانستان، ترکمنستان، جمهوری آذربایجان و ارمنستان محصور است. این دریا در قدیم بحرالفارس نام داشته و در مآخذ اسلامی نیز بدین نام آمده است. از اسناد و مدارک دوران هخامنشیان چنین برمی آید که نام « دریای پارس » از زمان گذشته مورد استفاده بوده است. (الهی: ۱۳۸۶، ۴)

ایرانیان وقتی تمدن خود را پایه گذاری نمودند، این دریا را مورد توجه قرار دادند، بررسی موقعیت سیاسی، اقتصادی خلیج فارس در دوران قبل از اسلام موضوع مورد بحث این مقاله می باشد.

خلیج فارس و ایلامی ها (۲۵۰۰ تا ۶۴۴ پ. م.):

تاریخ خیلی قدیم خلیج فارس و نواحی اطراف آن کاملاً روشن نیست و آنچه در این زمینه گفته می شود از دایره فرض و حدس خارج نمی باشد. مآخذ اطلاعات ما عموماً اساطیر و افسانه‌های قدیم و مدارک تاریخی از قبیل تورات و کتیبه‌های میخی و همچنین کشفیاتی است که علمای حیوان شناسی از جمجمه و استخوان های نژادهای مختلف قدیم و جدید کرده اند. این نکته تقریباً ثابت شده که در زمان خیلی قدیم شاید ده هزار سال قبل از میلاد مسیح سه نژاد مختلف انسانی در سواحل خلیج فارس زیست می کرده اند. اول تیره «دراویدی ها» که در سواحل مکران اقامت داشته اند و امروزه در قوم بلوچ حل شده و از بین رفته اند. دوم نژاد «سامی» در سواحل عربستان که علی الظاهر جانشین تیره «هامی» یا نژاد سیاه آفریقایی سکنه این سرزمین شده یا آن ها را در خود حل کرده اند. سوم نژاد «ایلامی» که در انتهای خلیج فارس و تا حوالی شرقی بوشهر سکونت داشته اند (ویلسن، ۱۳۶۶: ۳۲).

ایلامی ها از اقوامی بودند که قبل از شروع تاریخ در دشت های جنوب غربی ایران از حوالی شوش تا نزدیکی بوشهر سکونت داشته اند. به طور کلی تصور می رود اقوام مذکور ابتدا در آسیای مرکزی ساکن بوده و در چهار هزار سال قبل از میلاد به فلات ایران شام و مصر هجرت نموده اند (ویلسن: ۳۳). از لحاظ جغرافیایی، ایلام بزرگتر از خوزستان کنونی بوده و مناطقی کوهستانی در شمال و شرق را در بر می گرفت. مثلاً در بوشهر لیان باستانی، نوشته‌ای به زبان ایلامی که تاریخ آن در حدود اواسط هزاره سوم ق.م می باشد، یافت شده. همچنین در دیگر نقاط فارس هم نوشته‌های ایلامی به خط میخی و نقش برجسته کشف شده است (دیاکنف، ۱۳۵۷: ۹۹).

جرج کامرون در مورد امپراتوری ایلامیها می‌نویسد: «شیلهاک اینشوشیناک دارای امپراتوری نیرومندی بود. وی بر «لیان» بوشهر در خلیج فارس نیز فرمانروایی داشت، زیرا در آنجا پرستشگاهی که هوبان - نومنا برای کیرشیا ساختن بود او نیز پرستشگاه مشترک هوبان و کیرشیا را بازسازی کرد(کامرون، ۱۳۷۵:۹۲).

پیرنیا درباره نتایج تاریخی غلبه ایلامی ها بر بین‌النهرین می‌نویسد: «دمرگان و نویسندگان دیگر فرانسوی به این عقیده‌اند که غلبه ایلامی بر سومری‌ها و مردمان بنی‌سام نتایج تاریخی زیادی در بر داشته است. توضیح اینکه، ایلامی‌ها [ابه] قدری با خشونت وحشیانه با ملل مغلوبه رفتار کردند که آن‌ها از ترس جان از اماکن و اوطان خود فرار کرده و هر کدام به طرقی مهاجرت نموده‌اند. بنابراین، عقیده دارند مردمی که رأس خلیج فارس و بحرین (الحساء) سکنا داشتند به طرف شامات رفته، دولت فینیقیه [لبنان] را تشکیل دادند و بعد در تجارت و دریانوردی معروف شدند(پیرنیا، ۱۳۵۵:۲۳).

اقتصاد ایلامی‌ها بر تجارت و استخراج و صادرات مواد معدنی استوار بود. اقتصاد دریای پارس در دوران ایلامی‌ها ساده و شامل مواد خام اولیه بوده است که در برابر مواد معدنی و ساخته شده گوناگون مبادله می‌گردید و برتری و داد و ستد بازرگانی خارجی بر ساکنان کرانه‌های دریای پارس آشکار شد. و حوزه مزبور راه تجارت با خاور و باختر را در پیش گرفت و بابل در بین‌النهرین که در مسیر این راه بود، بزرگترین مرکز داد و ستد کالا شد. از آن پس به مدت ۱۰۰ سال عرصه کالاهای جدید و ورود کشورهای جدید به صحنه بازرگانی دریای پارس ادامه داشت و باعث گسترش تمدن و افزایش ثروت شهرهای پیرامون آن شده شهرهای توانمند بندر جنوبی جرا، چراکس، بحرین، ترتون، ریشهر معروف دنیای پیشین بود(امیرابراهیمی، بی تا: ۵۶-۵۷).

خلیج فارس در دوران هخامنشیان (۵۵۰ تا ۳۳۰ ق. م)

با آنکه هخامنشیان از دولت‌های قوی عصر باستان بودند و قلمرو حکومتی بزرگی را در اختیار داشتند، اما هیچ‌گونه تاریخ مکتوبی از خود به یادگار نگذاشته‌اند و تاریخ‌نویسان به ناچار برای اطلاع از وقایع آن عصر به تاریخ هرودت مراجعه می‌کنند. بازمانده آثار هنری و بناهای هخامنشی، چند پاپیروس مصری، اشارات مبهم تورات و گنجینه‌ای از لوحه‌های به خط ایلامی که در تخت جمشید به دست آمده‌اند، دیگر اسناد و مدارکی هستند که اطلاعاتی در مورد تاریخ هخامنشی به ما می‌دهند.

ایرانیان آریایی پس از تشکیل دولت هخامنشی چون زارع و گله دار بوده و از دشت‌های همجوار شمال به طرف فلات ایران سرازیر شده بودند، همین که حدود دولت ایشان از طرفی به خلیج فارس و از طرف دیگر به کرانه دریای سرخ و مدیترانه و دریای سیاه رسید، دیدند که حفظ مستعمرات دریایی و برقرار نگاه داشتن ارتباط مرکز دولت با ممالک ماورای بحار، مستلزم داشتن نیروی دریایی قوی است. آن‌ها از وجود فینیقی‌های ساکن بنادر صور و صیدا و عکا و یونانی‌های جزایر و سواحل آسیای صغیر استفاده کرده و پهن دشت دریا زیر سیطره ایرانی‌ها درآمد(اقبال، ۱۳۲۸:۱۵).

دولت هخامنشی پس از پیروزی بر دولت های بین النهرین و سلطه بر کناره شمالی و جنوبی دریای پارس، وارث بازرگانی دریایی و راه تجارت خاور با باختر گردید. اهمیت راه آبی خلیج فارس و نگهداری امنیت آن بر کورش بزرگ روشن بود، زیرا تجارت بین منطقه هند، آفریقای خاوری، دریای پارس و کشورهای پیرامون آن، سود سرشاری نصیب شهر و بندرهای مجاور دریای پارس می ساخت (ابراهیمی: ۵۷). کورش پس از پیروزی بر بابل و ایلام، شهر شوش را به جای بابل مرکز بازرگانی خارجی ایران و خاور و باختر قرار دارد تا کشتی ها به رود کارون داخل شوند و کالاهای خود را از شوش تخلیه کنند. از طرفی نیز با ایجاد راه شوش، بابل و سارد به طول ۱۲۰۰ کیلومتر شوش، اکباتان و باختر، دسترسی کشورهای تابع شاهنشاهی ایران را که در فاصله دور قرار داشتند، ممکن ساخت (ابراهیمی: ۵۹).

اقتصاد هخامنشی بر پایه کشاورزی و تجارت بود و داریوش هر دو را پشتیبانی و تشویق کرد. او توسط اصلاح اراضی، سرمایه گذاری در سیستم آبرسانی و حفر قنات به وضعیت کشاورزی سرو سامان بخشید و با راه اندازی سیستم ضرب سکه های نقره و طلا بازار تجارت را رونق داد. از برکت رونق اقتصاد هخامنشی، واژگان ایرانی به زبان های خاورمیانه و بعدها زبان های اروپایی راه یافته اند. در دوران هخامنشی سفرهای برون مرزی بازرگانان با حمایت دولت به منظور جستجوی بازارهای جدید و منابع نو مرسوم شد (ابراهیمی، ۶۰). داریوش هخامنشی یک گروه دریایی را به منظور شناسایی بندرها و بازارها و دریاهای بیرون از دریای پارس و یافتن پناهگاه راهزنان دریایی را به فرماندهی "سیکلاکس" به دریای پارس فرستاد تا از راه تنگه هرمز به دریای سرخ (خلیج عربی) و مصر روند (ابراهیمی: ۵۸). حفر کانالی میان رود نیل و دریای سرخ به فرمان او بدان خاطر صورت گرفت که کشتی های بازرگانی فینیقی و یونانی بتوانند با ایرانیان، اعراب و هندیان و اقوام دیگر ارتباط برقرار کنند (داندامایف، ۱۳۵۸: ۴۸).

داریوش هخامنشی همچنین نقش مؤثری در رشد، توسعه و ساخت بندر گاه های ساحل خلیج فارس داشت. استاندارد سازی واحدهای وزنی و سنجشی، دیگر فعالیت سود بخش داریوش در رونق دادن و بهبود وضعیت تجارت کشور بود (ابراهیمی، ۶۰).

خلیج فارس در دوران اسکندر و سلوکی ها (۱۴۱-۳۲۳ ق. م):

آشکارا با از میان رفتن سلسله هخامنشیان توسط اسکندر هژمونی سیاسی و تجاری ایرانیان بر خلیج فارس، دریای عمان، اقیانوس هند، دریای سرخ، مدیترانه و سیاه از بین رفت. لشکرکشی اسکندر به شرق تنها یک حرکت گسترده نظامی صرفاً با آمال سیاسی و نظامی نبود. امپراطوری هخامنشی سه قرن یونان را بازیچه خود قرار داده، و راه های مهم تجاری دریایی و زمینی را در اختیار خود گرفته بود. اسکندر هم از لحاظ نظامی و هم از لحاظ سیاسی و تجاری می خواست سراسر کرانه های خلیج فارس را یک پارچه کند، بلند پروازی که نه سلوکیان و نه پارتیان به پای آن نرسیدند. (برونر، ۱۳۷۷: ۱۵۹).

اسکندر مقدونی به دریانورد معروف خود «نیارخوس»، دستور داد که گزارشی دریایی از خلیج فارس تهیه کند. او در سال ۳۲۷ قبل از میلاد همراه با دریانوردان خود راه هند تا دجله را در نوردیدند و پس از گذشتن از بندر میناب به سواحل بوشهر نزدیک شدند. در مصب رودخانه هند برای تعمیر کشتی‌های خود دستور سه هفته توقف داد و از نواحی شبه جزیره «مزامبریا»، که اکنون بندر بوشهر در آن قرار دارد، برای همراهان خود آذوقه و خوار و بار تهیه کرد (گابریل، ۱۳۴۸: ۲۴۹-۳۱۴).

جانشینان اسکندر در ایران، یعنی سلوکی‌ها، به اهمیت خلیج فارس به خوبی آگاه بودند. آن‌ها در کرانه‌های خلیج فارس نه شهر را بنا کردند که از جمله می‌توان به انطاکیه پارس یعنی بوشهر امروزی در کنار لیان باستانی اشاره کرد (گیرشمن، ۱۳۶۸: ۲۶۲). سلوکیان نیروی دریایی عظیمی در خلیج فارس تشکیل دادند که موجب تأمین ارتباط با هند در شرق و دریای سرخ در غرب شد (گیرشمن، ۱۳۶۸: ۲۷۸).

در دوران آنتیوخوس سوم (۲۲۳-۱۸۷ ق.م.)، پادشاه سلوکی، سفری به شرق کرد که ۸ سال طول کشید و در همین سال، او ساحل غربی خلیج فارس را طی می‌کرد و از جزایری که بر اثر صید مروارید شهرت داشتند عبور نمود، برخی از مورخان بر این عقیده‌اند که منابع تجاری پادشاهی سلوکیه با شرق از طریق زمینی و دریایی تا حد زیادی در اقدام به این سفر طولانی دخالت داشته‌اند (گیرشمن، ۱۳۶۸: ۲۵۹).

بی‌گمان علاقه سلوکیان به سوداگری در خلیج فارس و ارتباط با هند، آن‌ها را مجبور کرد که مانده‌هایی نیز در خلیج فارس داشته باشند. در این زمینه می‌توان به جزیره فیلکه در خلیج فارس اشاره کرد. در این جزیره بنایی موسوم به ایکاروس خدای یونانی وجود دارد همراه با کتیبه تاریخ دار از یکی از شاهان سلوکی و گنجینه‌ای از سکه‌ها که تاریخ آن مربوط به نیمه‌ی دوم سده سوم قبل از میلاد است (پوریانژاد، ۱۳۸۴: ۸۰).

خلیج فارس در دوران اشکانیان (۲۲۴ م. - ۲۴۷ ق.م.)

پارتیا منطقه‌ای در جنوب شرقی دریای خزر بود که اقوام نیمه بیابانگرد با نسب آریایی در آن می‌زیستند. در زمان کورش کبیر، این سرزمین به امپراطوری گسترده هخامنشی پیوست و تا زمان حمله اسکندر به ایران، یکی از ساتراپی‌های هخامنشی بود که سپس تحت کنترل سلوکیان قرار گرفت. پارتیان نخستین اقوام ایرانی بودند که بر علیه اشغال‌گران یونانی و مقدونی شوریدند. رهبران این شورش دو برادر به نام‌های اشک و تیرداد بودند. پس از خلع یوغ سلوکی، اشک خود را به عنوان نخستین پادشاه سلسله‌ای اعلام کرد که بعدها به افتخار او اشکانیان نام گرفت.

تاریخ تسلط اشکانیان بر نواحی خلیج فارس را باید مربوط به دوران حکومت مهرداد اول (۱۳۷-۱۷۱ ق.م.) دانست. اشکانیان در زمان این پادشاه کشور ایلام را در خلیج فارس منقرض کردند، و ثروت

های معابد سوزیان (شوش) در خوزستان و خلیج فارس و بین النهرین به تصرف آن ها درآمدند(حمیدی، ۱۳۶۸: ۲۴۱).

در زمان اشکانیان شاهان پارتی همان گونه که از راه های زمینی کشور، که در شرق تا چین و در غرب تا مدیترانه امتداد داشت درآمد خوبی به دست می آوردند، راه های دریایی را هم در جنوب کشور در اختیار داشتند و به رومی ها فرصت استفاده از آن ها را ندادند(دیاکونف، ۱۳۵۱: ۷۳). در دوره اشکانیان بازرگانی و دریانوردی منظمی در آب های خلیج فارس از دهانه ی فرات و کارون، تا آب های عمان، عدن، شرق آفریقا و دریای سرخ برقرار بوده است(اقتداری، ۱۳۶۴: ۲۰۳). نشانه های پیشرفت دریانوردی آن ها را هنوز می توان در واژه های چون «تاوی» به معنی سربازی که در نیروی دریایی خدمت می کند، و «ناوخذ» به معنای کاپیتان کشتی، «بار» به معنی بندر در واژه های «زنگبار» و «مالابار» یافت.(مجتهدزاد، ۱۳۸۵: ۱۸).

براساس نوشته های چینی اشکانیان (۲۴۷ پ. م تا ۲۲۴ م)، از راه آبی خلیج فارس با چینی ها روابط تجاری داشته اند. گویا چینی ها برای نخستین بار در حدود سال ۱۲۰ پ. م اطلاعاتی درباره آسیای غربی و بین النهرین به دست آوردند، این اطلاعات را چانگ چین به دست آورده بود، شخصی که فرستاده سیاسی امپراطور وو تی به نزد کوشان بود، او مأموریت داشت تا از آن ها برای مقابله با هون ها^۱ تقاضای کمک کند. زمانی که چانگ چین درسزمین پارت (ایران) بود، درباره کشورهای غرب آسیا مطالبی شنید و به کشورش انتقال داد. کان بینگ در سال ۹۷ میلادی اطلاعات مبهم او را تکمیل کرد. بینگ درباره راه دریای خلیج فارس اطلاعات دقیق و روشنی به چین فرستاد. همچنین در کتابی با عنوان "سیر و سیاحت در دریای اریتره" نوشته جهانگرد و تاجر ناشناس یونانی نیمه دوم سده نخست میلادی درباره تجارت دریایی و زمینی به ویژه ارتباط دریایی چین با سیلان و هند با کشتی های بزرگ در عهد اشکانی اطلاعات موثقی وجود دارد(خلیفه، ۱۳۸۷: ۲).

در دوره اشکانیان خلیج فارس شکل یک منطقه ترانزیت کالا داشت، زیرا تسهیلات بسیار برای بازرگانان خاور و با ختر فراهم کردند و شهرها و بندرهای ایران، آنان را پذیرا شدند و هر سکه ای که داد و ستد و عرضه شد می پذیرفتند. اشکانیان در بندرهای دریای پارس گمرک خانه دایره و از کالاهای وارده و صادره برابر ۱۰ درصد ارزش آن عوارض دریافت داشتند و چون در آمدهای خود را از محل وصول خراج اراضی و عوارض گمرکی به دست می آوردند، همواره سعی داشتند که صلح، امنیت و آزادی و داد و ستد تجاری در قلمروشان نگهداری شده تا در آمدهای گمرکی کاهش نیابد(ابراهیمی: ۵۹-۶۰).

^۱. قومی صحراگرد از مغولستان از نژاد مغول و ترکمن بودند که در سده های چهارم و پنجم میلادی به سوی غرب مهاجرت کرده و در موازات آمودریا کوچ نشین هایی تأسیس کردند. رهبر معروف و خونخوار آنها آتیلان نام داشت.

پارتیان نقش سلطه‌گر اقتصادی را بین شرق و غرب ایفا می‌کردند، و همواره مانع پیشرفت رومیان بودند که می‌کوشیدند با هند و چین بی‌واسطه پارتیان، رابطه برقرار کنند. یکی از تاریخ نگاران به نام راولینسون در مورد بازرگانی و روابط تجاری اشکانیان بر این عقیده بود که «بازرگانی ایرانیان در عهد اشکانی ترقی و توسعه بسیار کرد، به طوری که همه جا با رومیان رقابت می‌کردند(همان: ۶۰).

خلیج فارس در دوران ساسانیان (۶۵۱-۲۲۴ م)

گرچه در دوره ساسانیان ایرانیان از حیث فتوحات و جهانگیری به پای دوران هخامنشی نمی‌رسد و کشور شاهنشاهی وسعت دوران کوروش و داریوش را نداشت، ولی بدون شک بیش از نیاکان قدیم خویش به دنیا و اوضاع آن آشنایی و بستگی پیدا کرده بودند و در کارها و شئون مختلف از جمله بازرگانی که مستلزم مسافرت به کشورهای دور دست از راه خشکی و دریا بود ورزیده‌تر و بی‌باکتر شده بودند. در همین دوره بود که ملوانان و ناخدایان ایرانی خلیج فارس را که در حکم دریای داخلی ایران بود پایگاه آمد و شد کشتی‌های خود قرار داده بودند(نشأت، ۱۳۴۵:۶۷).

اردشیر ساسانی که خویشتن را زنده کننده عظمت ایران هخامنشی می‌شمرد با قیام خود آن کشور را که بر اثر نفوذ اجتماعی و اخلاقی یونانیان رنگ یونانی گرفته بود دوباره به شکل ایرانی درآورد و خلیج فارس و کرانه‌هایی که در قلمرو دولت ایران بیرون رفته بود دوباره به ایران برگرداند. سروری در خلیج فارس برای اردشیر یکم بسیار مهم بود، بنابراین عجیب نیست حتی تا بحرین نیز پیش رفت. طبری در مورد حمله اردشیر بابکان به خلیج فارس و کرانه‌های آن اظهار می‌دارد: « اوایل قرن سوم میلادی هنگام پادشاهی اردشیر ساسانی پادشاهی به نام ساطرون در بحرین بوده و در مقابل اردوکشی ایرانیان در قلعه‌ای سنگر اختیار کرده بود. و در نتیجه یک سال ارتش ایران آن را محاصره کرده تا بالاخره فتح نمود و شاپور یکم پسر ولیعهد خود را جهت حکومت آنجا مأمور نمود. بدین ترتیب، ساسانیان ناحیه‌ی مروارید خیز بحرین و اطراف آن را تحت نظارت خویش گرفتند(طبری، ۱۳۸۵:۵۹۸).

توجه ساسانیان به امنیت سواحل خلیج فارس از اقدام شاپور دوم در سرکوبی اعراب یاغی به منطقه خلیج فارس کاملاً مشهود است. هنگامی که شاپور دوم هنوز بچه بود اعراب ناحیه هاجر که بحرین و حسا و قطیف و یمامه باشند طغیان کرده ، چندین مرتبه به کرانه‌های شمالی خلیج دست درازی کردند و خانمان زیادی را یغما، و ویران نمودند. تا آن که شاپور دوم برای آرامش کشور به نواحی مزبور ارتشی فرستاد کشتار زیادی در بحرین نمود.

بنا به گفته طبری « شاهپور ذوالاکتاف به انتقام تهاجمات بدویان عرب، با یاران خویش از دریا گذشته و به «خط» رسید و به دیار بحرین تاخت و مردم بکشت و فدیہ نگرفت به غنیمت نپرداخت شاهپور جمعی از بنی تغلب را در دارین بحرین که آنجا «هیج» گویند و در «خط» مقر داد و بنی عبدالقیس و بعضی قبایل تمیم را در «هَجَر» نشانند و بنی بکر بن وائل را به کرمان برد که بکریان نام گرفتند و بنی حنظله را به «رُمیله» اهواز برد و بگفت تا به سرزمین سواد شهری بساختند و نام آن را « بزرگ شاپور»

کرد که همان « انبار » باشد و به سرزمین اهواز نیز دو شهر بساخت که یکی «ایران خره شاپور» بود یعنی شاپور و بلاد وی و به سریانی «کرخ» نام دارد و دیگری شوش بود و این شهر را در پهلوی دژی که تابوت دانیال پیامبر در آن بود بنا کرد(همان: ۶۰۰-۶۰۱).

در عهد خسرو اول (انوشیروان) که تمامی سواحل خلیج فارس و بحر عمان تا خلیج عدن و کشور یمن در عربستان در اختیار دولت شاهنشاهی ایران در آمده بود، خلیج فارس مرکز عظیم نیروی ایران شد و از آن نواحی بود که سپهبد وهرز با سپاه نیرومند خود که معروف به (لشکر نجات) بودند برای استخلاص یمن از دست حبشی ها به آن صفحات رهسپار شد و آن کشور را جز ممالک تحت الحمایه ایران قرار داد و سیف بن ذی یزن پسر پادشاه آنجا را که از بیم حبشی ها به دربار ایران پناهنده شده بود بار دیگر به مقام شهریاری آنجا رسانید(یعقوبی، ۱۳۵۶: ۲۰۴).

به دستور پادشاهان ساسانی در سواحل و بنادر خلیج فارس شهرها و قلعه‌ها و پایگاه های دریایی متعددی بنا شده که آثار برخی از آن ها از بین رفته و بعضی از آنها مانند شهرهای «بوله» و «پیروز شاپور» که در کنار فرات و «بتن اردشیر» و شهر شاپور در سواحل جنوبی خلیج فارس تا زمان تسلط نیروهای اسلام موجود و معمور بوده است. ریشه هم که در زمان اردشیر توسعه و ترقی یافته در آن دوره یکی از بنادر مهم خلیج فارس به شمار می آمده است. حتی رهنماهی برای کشتیرانی در سواحل عمان و اقیانوس هند در دست ناخدایان ایرانی بوده که بعدها واسکودوگاما نیز از آن استفاده کرده است، و واژه های ناو، ناوی، ناوگان، ناوخدا، قطب نما از همان دوره به یادگار مانده است(مقتدر، ۱۳۳۳: ۸). اقدامات شاهان ساسانی می‌رساند که تا چه اندازه سلطه بر خلیج فارس و دسترسی به راه های آبی آن برای ساسانیان مهم بوده است، حال آن که در آن زمان حدود مرزهای ایران خیلی دور از کرانه های خلیج فارس به طرف شمال و خاور باختر کشیده شده بود. از نقطه نظر اقتصادی خلیج فارس نقش عمده ای در روابط تجاری و بازرگانی ایران عهد ساسانی داشته است. و دریانوردی ساسانیان در این آبراهه بین المللی فعال بوده است.

در این دوره، در خلیج فارس کشتیرانی به طور فعال برقرار، و نقطه پایانی کشتی‌ها در آن جا، «تردون» در دهانه فرات بوده است. سرزمین یمن و سبا و حمیر، تحت نفوذ ساسانیان بوده است. و بنابراین بندر اومان (عمان) و سواحل یمن و بخشی از حبشه و دریای سرخ، در تبادلات تجارت دریایی در دست ایرانیان بوده است و از این طریق با مدیترانه مربوط بوده‌اند(رائین، ۱۳۵۶: ۲۷۵). ساسانیان در امر بازرگانی تا سیلان (سری لانکا) با امپراطوری روم شرقی (بیزانس) رقابت و کشمکش داشتند. آن ها در مالزی و سیلان مهاجرنشین های تجاری تأسیس کرده بودند و کشتی های تجاری ایرانی اسب های ایرانی را به سیلان حمل می‌کردند(دریایی، ۱۳۸۵: ۱۲۸). نیروی دریایی ایران در زمان ساسانیان، عدن و سیلان را به تصرف در آوردند و راه های بازرگانی ایران را تا چین جنوبی و کرانه‌های خاوری آفریقا زیر سلطه قرار داد(ابراهیمی: ۶۲).

سکه‌ها و مهرهای ساسانی یافت شده در سواحل و بنادر جنوبی چین، هند و سیلان نیز نشان دهنده تجارت پر رونق با آن نواحی است. شمار فراوانی این سکه‌ها به اواخر سده پنجم و اغلب به اواخر سده ششم و اوایل سده هفتم میلادی تعلق دارد و بیشتر آن‌ها در ضرابخانه‌های ایالت فارس و مجاور ضرب شده است (۱۳۸۷:۴). در دوره ساسانیان بندر سیراف مرکز بازرگانی بزرگی شد و در ردیف بندر ریشهر قرار گرفت و مدتی در حدود سه سده، بزرگ‌ترین بندر بازرگانی دریای پارس به حساب می‌آمد. همان گونه که می‌بینیم در دوره ساسانیان بازرگانان و دریانوردان ایرانی موفق شدند که تجارت دریایی خلیج فارس را با چین در اختیار بگیرند و در آستانه ظهور اسلام، تجارت دریایی در خلیج فارس رونق فوق العاده‌ای بگیرد.

نتیجه‌گیری

خلیج فارس از قرن‌ها قبل و حتی قبل از کشف نفت در ابتدای قرن بیستم، اهمیت ویژه جغرافیایی، اقتصادی و تجاری خاص خود را داشته است. این منطقه از دوران باستان تاکنون، همواره به عنوان یک آبراه و قطب سیاسی-اقتصادی مورد توجه قدرت‌های بزرگ منطقه و ماوراء آن بوده است. آبراه خلیج فارس در طول تاریخ محل آمد و شد کشتی‌های تجاری و نظامی بوده و نقش اساسی در برقراری ارتباط با تمدن‌های همجوار داشته است. در دوره‌ی ایلامی‌ها بازرگانی و داد و ستد کالاها به طور مستمر فعال بوده و پایتخت آن‌ها شهر شوش در کرانه‌های خلیج فارس یکی از کانون‌های بزرگ تمدن دنیای قدیم بوده است. اقدامات داریوش اول هخامنشی در حفر کانالی در ترعه سوئز و مأموریت دادن به سیکلاکس دریانورد مشهور خود برای تهیه گزارشی دریایی از خلیج فارس و نواحی کرانه‌ای آن نشان از اهمیت این آبراهه بین‌المللی در دوران هخامنشیان دارد. اسکندر و جانشینان او سلوکی‌ها به اهمیت خلیج فارس و کرانه‌های آن واقف بودند و بنادر زیادی در نواحی ساحلی آن ساختند. استقرار ایرانیان در دوره اشکانیان که در زمینه دریانوردی در خلیج فارس به پیشرفت زیادی دست یافته بودند در کناره‌های جنوبی این آبراهه فزونی یافت. نشانه‌های پیشرفت آن‌ها را می‌توان در واژه ای همچون «ناو» به معنای ناو خدا یافت. سلطه ایرانیان بر کرانه‌های جنوبی خلیج فارس در دوره ساسانیان مستحکم شد. کوچ اعراب به سواحل خلیج فارس در دوره اردشیر بابکان بنیانگذار امپراطوری ساسانیان آغاز گشت و موفق گشتند که کنترل مناطق ساحلی از دست رفته را دوباره به دست آورند. اقدام شاپور دوم در سرکوب اعراب یاغی ناحیه بحرین و ساختن شهرهای متعدد در کرانه‌ها و پس کرانه‌های خلیج فارس نشان از توجه ویژه شاهان ساسانی به خلیج فارس دارد. در مجموع می‌توان گفت تجارت و بازرگانی در عهد ایران باستان از خلیج فارس به دیگر نقاط جهان، اهمیت فراوان داشته است.

منابع و مأخذ

- ابراهیمی، عبدالرضا(بی تا)، خلیج فارس، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی.
- اقبال آشتیانی، عباس(۱۳۲۸)، مطالعاتی در باب بحرین و سواحل خلیج فارس، تهران، چاپ خانه مجلس.
- اقتداری، احمد(۱۳۶۴)، از دریای پارس تا دریای چین، تهران، شرکت تحقیق و توسعه حمل و نقل ایران.
- برونر، کریستوفر(۱۳۷۷)، تاریخ ایران از سلوکیان تا فروپاشی دولت ساسانی، ج ۳، ترجمه حسن انوشه، تهران، امیرکبیر.
- بهشتی، اکسانا(۱۳۸۶)، راهنمای سفر به استان فارس، ترجمه حسین یعقوبی، تهران، روزنه.
- پوریا نژاد، فریاد(۱۳۸۴)، "خلیج فارس در مسیر تاریخ ایران باستان"، مجموعه مقالات خلیج فارس در گستره تاریخ، ج ۲، دانشگاه اصفهان.
- پیرنیا، حسن(۱۳۵۱)، تاریخ ایران قدیم، تهران، خیام.
- حمیدی، سید جعفر(۱۳۶۸)، "زمان شناسی خلیج فارس"، مجموعه مقالات همایش خلیج فارس، تهران، وزارت خارجه.
- خلیفه، مجتبی(۱۳۸۷)، "تجارت دریایی خلیج فارس - چین در سده های میانه به روایت ناظر چینی"، فصلنامه تاریخ روابط خارجی، تهران، وزارت خارجه، تهران، سال نهم، شماره ۳۶.
- دریایی، تورج(۱۳۸۵)، "تجارت خلیج فارس در اواخر دوران باستان"، جامعه و اقتصاد عصر ساسانی، ترجمه حسین کیان راد، تهران، سخن.
- خواندمیر، (۱۳۶۲) حبیب السیر، ج ۱، تهران، خیام.
- داندامايف(۱۳۵۸)، تاریخ سیاسی و اقتصادی هخامنشیان، ترجمه میرکمال نبی پور، تهران، نشر گستر.
- دیاکنوف، ام.ام(۱۳۵۱)، اشکانیان، ترجمه کریم کشاورز، تهران، پیام. دیاکنوف ای.ام(۱۳۵۷)، تاریخ ماد، ترجمه کریم کشاورز، تهران، تهران.
- رائین، اسماعیل(۱۳۵۶)، دریانوردی ایرانیان، تهران، بدون ناشر.
- طبری، محمد بن جریر(۱۳۸۵)، تاریخ طبری، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران، اساطیر.
- کامرون، جرج(۱۳۷۵)، ایران در سپیده دم تاریخ، ترجمه حسن انوشه، تهران، علمی فرهنگی.
- گابریل، آلفونس(۱۳۴۸)، تحقیقات جغرافیایی راجع به ایران، ترجمه فتعلی خواجه نوری، تهران، ابن سینا.
- گیرشمن، رومن(۱۳۶۸)، ایران از آغاز تا اسلام، ترجمه محمد معین، تهران، علمی فرهنگی.
- مجتهدزاده، پیروز(۱۳۸۵)، حاکمیت ایران بر جزایر تُنب و ابوموسی، تهران، سحاب.

- مقتدر، غلامحسین (۱۳۳۳)، کلید خلیج فارس، تهران، محمدعلی علمی.
- نشأت، صادق (۱۳۴۵)، تاریخ سیاسی خلیج فارس، تهران، شرکت نسبی کانون کتاب.
- ویلسن، سرآرنولد (۱۳۶۷)، خلیج فارس، تهران، علمی فرهنگی.
- الهی، همایون، (۱۳۸۶)، خلیج فارس و مسائل آن، نشر قومس، چاپ نهم،
- یعقوبی، ابن واضح (۱۳۴۷)، تاریخ یعقوبی، ج ۱، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی